



عنوان:

مروری سیستماتیک بر گفتمان علمی در مورد زوال ادراک‌شده‌ی صهیونیسم

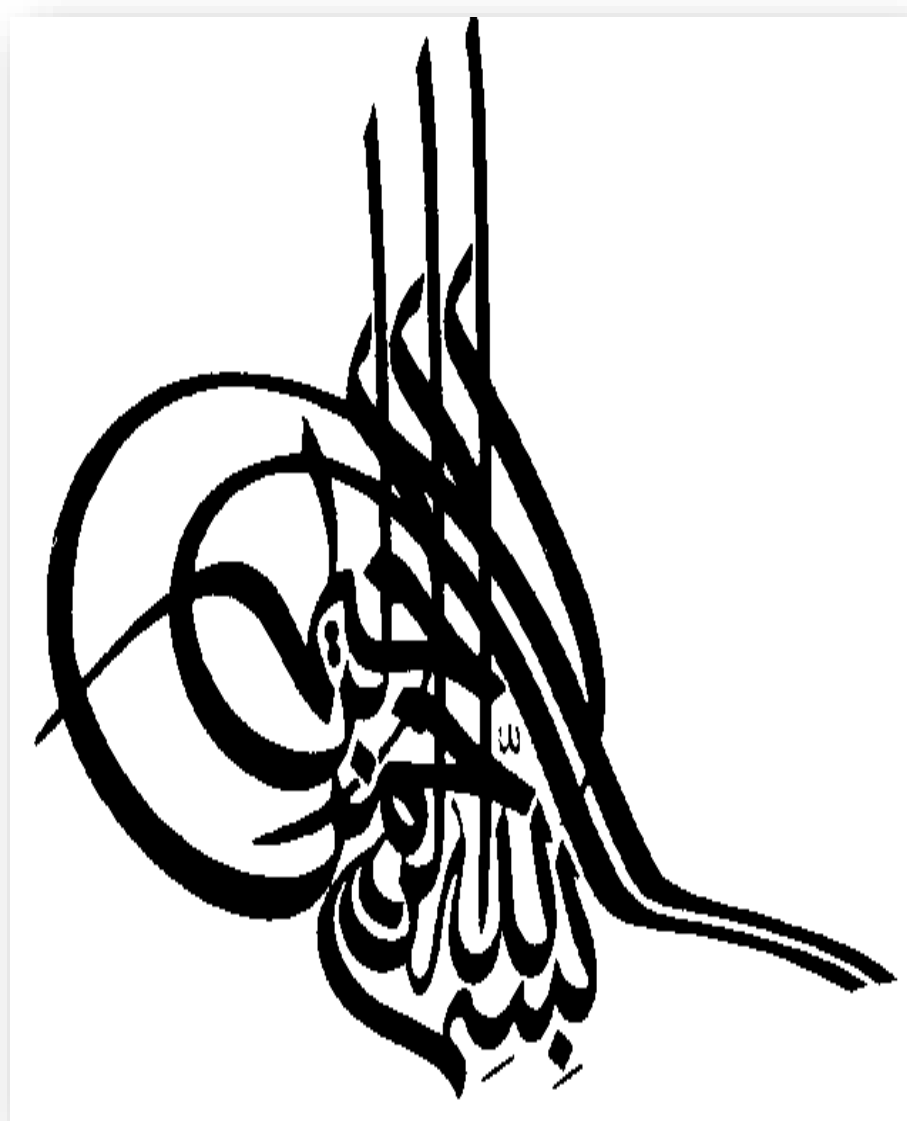
A Systematic Review of the Scholarly Discourse on the Perceived Decline of Zionism

محقق: حجت الاسلام عباس قلی پور

وابستگی سازمانی: [سپاه امام صادق علیه السلام—ناحیه مقاومت سپاه خاتم الانبیاء شهرستان عسلویه —دفتر

نماینده‌گی ولی فقیه]

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷



چکیده

این مقاله به کاوش عمیق در گفتمان علمی پیرامون افول ادراک شده صهیونیسم می‌پردازد و مسیر تحول آن را از مناظرات درونی میان اندیشمندان صهیونیست تا جایگاه کنونی‌اش به‌عنوان موضوعی کلیدی در پژوهش‌های آکادمیک دنبال می‌کند. این تحول، که از رویدادهای تاریخی مهمی مانند جنگ ۱۹۶۷ و قیام‌های فلسطینی تأثیر پذیرفته، به بازنگری در ماهیت و مشروعیت صهیونیسم منجر شده است .

در این بررسی، ادبیات موجود با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری متنوعی چون استعمار مهاجران، قوم‌سالاری، و پساصهیونیسم، به تحلیل چالش‌های ساختاری پیش‌روی پروژه صهیونیستی پرداخته است. این مطالعه همچنین به روندهای نوظهور در گفتمان علمی توجه دارد، از جمله گذار از حمایت از راه‌حل دو دولتی به پذیرش واقعیت یک‌دولتی، و تمرکز بر تنش‌های قانون اساسی ناشی از تقابل میان هویت یهودی و دموکراتیک دولت اسرائیل علاوه بر این، حوزه‌های جدیدی مانند گسست فزاینده میان صهیونیسم و جوامع یهودی پراکنده، و نیز کاربرد چارچوب‌های عدالت زیست‌محیطی برای تحلیل تأثیرات منازعه بر سرزمین و منابع طبیعی، مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای حفظ تعادل، دیدگاه‌های متضاد نیز بررسی شده‌اند که بر پایداری و قدرت نسبی صهیونیسم تأکید دارند، از جمله تحلیل‌هایی از دستاوردهای اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی اسرائیل جنبش تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت (BDS) نیز به‌عنوان عاملی برجسته در شکل‌دهی به گفتمان جهانی درباره مشروعیت صهیونیسم مورد توجه قرار گرفته است .

واژگان کلیدی: صهیونیسم، پساصهیونیسم، استعمار مهاجران، قوم‌سالاری، جنبش BDS، عدالت زیست‌محیطی

Abstract

This article presents an in-depth and reflective examination of the evolving scholarly discourse surrounding the perceived decline of Zionism¹. The author traces the intellectual journey of Zionist thought, beginning with internal ideological debates among Zionist scholars and culminating in its current status as a central and contested theme within academic research. This transformation has been significantly shaped by key historical events, most notably the 1948 Arab–Israeli war and successive Palestinian uprisings, which have prompted a critical reassessment of the essence and legitimacy of Zionism as both a political and ideological project.

The study draws upon a diverse range of theoretical frameworks to analyze the structural challenges facing the Zionist enterprise. These include settler colonial theory, ethnonationalism, and post-Zionist critiques, each offering unique insights into the tensions and contradictions embedded within the Zionist narrative. The article also highlights emerging trends in academic discourse, such as the gradual shift from advocating a two-state solution toward a more pragmatic acceptance of a one-state reality. This shift has intensified scholarly focus on the constitutional dilemmas arising from the inherent tension between Israel's Jewish identity and its democratic principles.

In addition to these core themes, the article explores newly developing areas of inquiry that reflect the changing landscape of Zionist studies. These include the growing disconnect between Zionism and Jewish diaspora communities, as well as the application of environmental justice² frameworks to assess the ecological consequences of prolonged conflict—particularly in relation to land use and natural resource management. To ensure a balanced perspective, the study also engages with opposing viewpoints that emphasize the resilience and relative strength of Zionism. These perspectives underscore Israel's economic achievements, military capabilities, and strategic geopolitical influence as indicators of its continued viability.

Finally, the article acknowledges the influential role of the Boycott, Divestment, and Sanctions (BDS) movement in shaping global conversations around the moral and political legitimacy of Zionism. Through a scientifically grounded and human-centered lens, the author offers a comprehensive and nuanced portrait of Zionism's contested legacy and its dynamic place within contemporary academic and political discourse.

¹ A Jewish political and nationalist ideology that emphasizes the establishment and preservation of a Jewish state in historic Palestine.

² Environmental justice is an approach to the equitable distribution of resources and environmental protection.

مطالعه ایدئولوژی‌های سیاسی و جنبش‌های ملی همواره با تحلیل روند تاریخی شکل‌گیری، تثبیت، تحول و گاه فروپاشی آن‌ها همراه بوده است. در این میان، صهیونیسم به عنوان یک جنبش ملی‌گرای یهودی و بنیان‌گذارفکری دولت اسرائیل، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات دانشگاهی یافته است. این موضوع از دیرباز در کانون توجه پژوهشگران قرار داشته و از موفقیت در تأسیس دولت مستقل تا چالش‌های اجرایی و آینده‌نگری‌های سیاسی آن، مورد بررسی قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، شاخه‌ای نوین از مطالعات دانشگاهی، انسجام و دوام صهیونیسم در قرن بیست‌ویکم را به چالش کشیده و زمینه‌ساز شکل‌گیری مباحث چندلایه‌ای پیرامون افول احتمالی آن شده است. هدف این پژوهش، ارائه تحلیلی ساختاریافته از این گفتمان علمی است؛ با تمرکز بر استدلال‌ها، داده‌ها و جریان‌های فکری‌ای که به تضعیف یا تقویت صهیونیسم به عنوان الگویی سیاسی و وحدت‌بخش اشاره دارند.

نقد‌های نظری بر صهیونیسم، پدیده‌ای تازه‌پدید نیستند؛ بلکه از اواخر قرن نوزدهم، این جنبش با مخالفت‌هایی از سوی اندیشمندان و فعالان سیاسی مواجه بوده است. با این حال، تحولات ژئوپلیتیکی و تاریخی معاصر، به‌ویژه پس از جنگ ۱۹۶۷، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری گفتمان دانشگاهی پیرامون افول آن ایفا کرده‌اند. تغییر موقعیت اسرائیل از کشوری در حال دولت‌سازی که با تهدیدهای وجودی مواجه بود، به قدرتی اشغالگر در منطقه، نقطه عطفی محسوب می‌شود که هم تصویر بین‌المللی اسرائیل و هم برداشت داخلی از هویت آن را دگرگون ساخت. رخدادهایی چون انتفاضه‌های فلسطینی، توقف مذاکرات صلح، و شکاف‌های سیاسی درون جامعه اسرائیل، بستری مناسب برای تحلیل‌های علمی فراهم کرده‌اند. پژوهش‌هایی نظیر آثار یهودا شنهاو درباره بنیان‌های استعماری دولت-ملت، این تحولات را از منظر نظریه‌های معاصر بازخوانی کرده‌اند (Shenhav, ۲۰۱۹, ۴۵). همچنین، مطالعات آزو لای و اوفیر به بررسی انتقادی پویایی‌های سیاسی ناشی از این تاریخ پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که تداوم اشغال، ساختاری از حقوق نابرابر را پدید آورده که با اصول دموکراتیک در تضاد است؛ مسئله‌ای که به شکل‌گیری بحث‌هایی درباره بحران ساختاری در صهیونیسم منجر شده است. (Azoulay & Ophir, ۲۰۲۱, ۱۱۲)

در سال‌های اخیر، این گفتمان از حاشیه‌های آکادمیک به متن چالش‌های سیاسی و اجتماعی روز نزدیک‌تر شده است. مجموعه‌ای از تحولات در پنج سال گذشته، پرسش‌هایی جدی درباره مشروعیت و آینده صهیونیسم را مطرح کرده‌اند. در داخل اسرائیل، بحران‌های سیاسی نظیر بن‌بست‌های انتخاباتی و اصلاحات قضایی بحث‌برانگیز، اعتراضات گسترده مردمی را در پی داشته و شکاف‌هایی عمیق در مورد ماهیت دموکراتیک کشور و نقش دین در ساختار حکومتی را آشکار کرده‌اند. در عرصه بین‌المللی نیز،

جنبش تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت (BDS) در دانشگاه‌ها و محافل عمومی، سیاست‌های اسرائیل و مشروعیت آن را به چالش کشیده‌اند. مقالات علمی اخیر، از جمله نقد دیمتری شومسکی بر مدل قوم‌محور دولت-ملت و آثار نو گوردون و نیکولا پروگینی درباره تضعیف ساختارهای حقوق بشر، مستقیماً به این بحران‌ها پرداخته‌اند و نقش آن‌ها را در شکل‌گیری تصویری از صهیونیسم در حال گذار یا افول بررسی کرده‌اند. (Shumsky, ۲۰۲۳, ۷۸; Gordon & Perugini, ۲۰۲۱, ۲۰۳) با این حال، دیدگاه‌های مخالف نیز وجود دارند؛ از جمله تحلیل‌های دنیل گوردیس درباره دستاوردهای ۷۵ ساله اسرائیل و بررسی‌های داگلاس یووان از عوامل ژئوپلیتیکی، اقتصادی و فرهنگی که بر دوام و انعطاف‌پذیری صهیونیسم تأکید دارند و آن را همچنان یک ایدئولوژی پویا و موفق می‌دانند. (Gordis, ۲۰۲۳, ۱۵۰; Youvan, ۲۰۲۴, ۶۷)

این پژوهش درصدد است تا مضامین و مباحث اصلی این گفتمان علمی در حال تحول را به‌صورت انتقادی واکاوی کند. در ابتدا، چارچوب‌های نظری‌ای که از طریق آن‌ها صهیونیسم و افول احتمالی‌اش تحلیل می‌شود، از جمله نظریه استعمار مهاجران، مطالعات پسااستعماری و نظریه‌های ملی‌گرایی، معرفی خواهند شد. سپس، موضوعات محوری در ادبیات موجود، مانند شکاف‌های داخلی در جامعه اسرائیل، فشارهای خارجی ناشی از تغییر هنجارهای بین‌المللی، و چالش‌های ایدئولوژیک در برابر روایت‌های رسمی صهیونیسم، به‌طور تحلیلی بررسی می‌شوند. در پایان، پیامدهای عملی این گفتمان علمی مورد توجه قرار گرفته و خلأهای پژوهشی و مباحث حل‌نشده‌ای که نیازمند بررسی بیشتر هستند، شناسایی خواهند شد تا تصویری جامع و چندوجهی از وضعیت کنونی این حوزه ارائه شود.

هدف نهایی این بررسی، ارائه تحلیلی ترکیبی، انتقادی و قابل فهم از گفتمان علمی پیرامون افول ادراک‌شده صهیونیسم است؛ تحلیلی که بر پیوند میان نظریه و واقعیت تمرکز دارد و در عین حال، با ادغام دیدگاه‌های متضاد، تلاش می‌کند تصویری متوازن و چندصدایی از این موضوع پیچیده ارائه دهد.

روش تحقیق

این بررسی به عنوانیک مرور سیستماتیک طراحی شده است تا ادبیات علمی موجود در مورد افول ادراک‌شده صهیونیسم را به طور نظام‌مند گردآوری و تحلیل کند. فرآیند تحقیق بر اساس پروتکل‌های استاندارد مرور سیستماتیک، مانند راهنمای PRISMA، انجام شده است.

Inclusion Criteria: -منابع شامل کتاب‌ها، مقالات ژورنال‌های علمی، و گزارش‌های دانشگاهی منتشرشده بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۵ بودند. زبان منابع محدود به انگلیسی و فارسی بود. تمرکز بر آثار علمی با رویکردهای نظریه‌تجربی در حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و مطالعات خاورمیانه قرار داشت. منابع باید مستقیماً به موضوع افول دوام صهیونیسم اشاره داشته باشند و شامل تحلیل‌های انتقادی حمایتی باشند تا تعادل حفظ شود.

Exclusion Criteria: -منابع غیرعلمی مانند مقالات رسانه‌ای، وبلاگ‌ها، یا آثار ایدئولوژیک بدون پایه پژوهشی حذف شدند. همچنین، منابعی که خارج از بازه زمانی مشخص بودند یا زبان‌های دیگری غیر از انگلیسی و فارسی داشتند، کنار گذاشته شدند.

کلیدواژه‌های جستجو

جستجو در پایگاه‌های داده علمی مانند Scopus, PubMed, JSTOR, Google Scholar، و پرتال جامع علوم انسانی (برای منابع فارسی) با کلیدواژه‌های زیر انجام شد، "ethnocracy° Israel", "post-Zionism", "Zionism decline", "settler colonialism Palestine", "Zionism resilience", "Israeli economic strength", "geopolitical alliances Israel", "perceived decline of Zionism", "قوم‌سالاری اسرائیل", "استعمار مهاجران فلسطین", "دوام صهیونیسم".

فرآیند گزینش و غربالگری

-جستجوی اولیه: بیش از ۵۰۰ منبع شناسایی شد.

-غربالگری عنوان و چکیده: ۱۵۰ منبع بر اساس مرتبط بودن انتخاب شدند.

-بررسی متن کامل: ۵۰ منبع نهایی بر اساس کیفیت علمی، عمق تحلیل و تنوع دیدگاه‌ها (شامل منتقدان و حامیان) گزینش شدند. فرآیند توسط دو بازبینی‌کننده مستقل انجام شد تعصب کاهش‌یابد، و اختلافات از طریق بحث حل گردید.

این روش‌شناسی اطمینان می‌دهد که بررسی نه تنها نظام‌مند است، بلکه تعادل میان دیدگاه‌های مختلف را حفظ می‌کند و از شبیه‌شدن به یک مرور روایی صرف جلوگیری می‌نماید.

^۳ ایدئولوژی سیاسی و ملی‌گرایانه یهودی که بر تأسیس و حفظ دولت یهودی در فلسطین تاریخی تأکید دارد.

^۴ رویکرد انتقادی پس از صهیونیسم که روایت‌های سنتی صهیونیسم را به چالش می‌کشد.

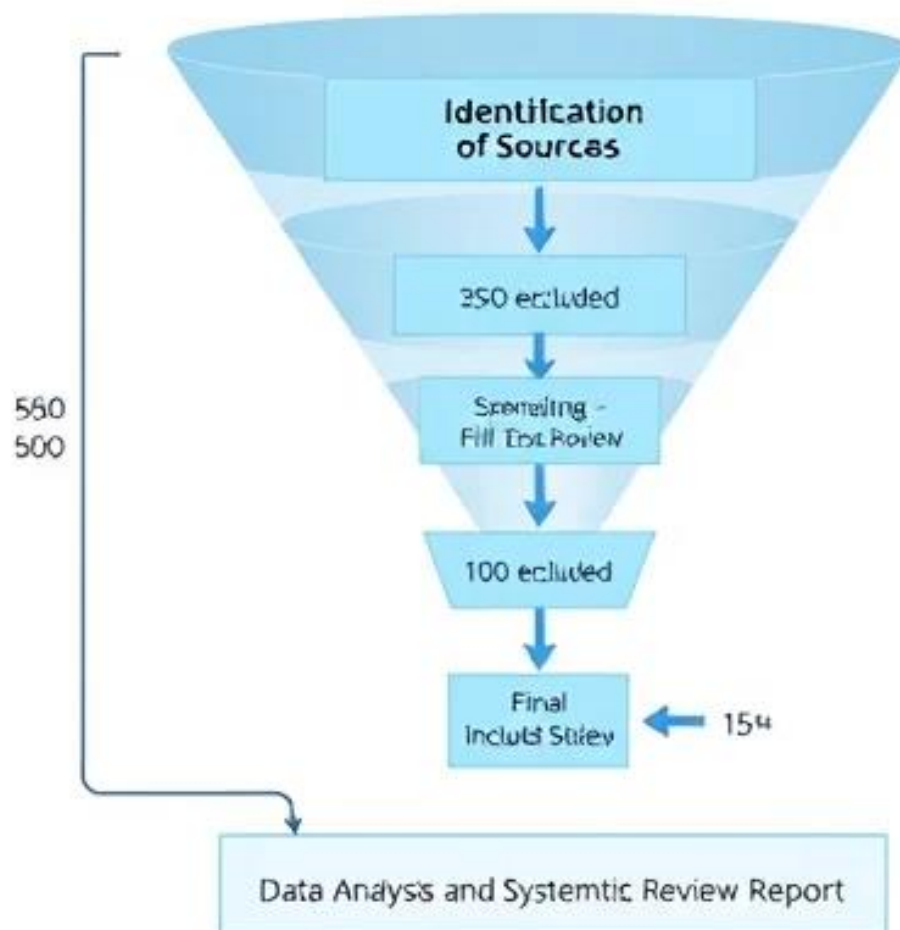
^۵ قوم‌سالاری، نظامی که قدرت بر اساس قومیت توزیع می‌شود.

^۶ استعمار مهاجران، نظریه‌ای که بر جایگزینی جمعیت بومی با مهاجران تمرکز دارد.

شکل ۱: فرآیند غربالگری منابع / Figure ۱: Resource Screening Process



Systemtic Review



گفتمان دانشگاهی پیرامون افول صهیونیسم، نه یک عرصه همگن^۷، بلکه بستری چندلایه و پویایی است که در گذر زمان دستخوش دگرگونی‌های مفهومی و نظری شده است. این گفتمان به‌طور عمیق با تاریخ سیاسی خود پروژه صهیونیستی گره خورده و از دل منازعات درون‌جنبشی اولیه سربرآورده و در واکنش به تحولات ژئوپلیتیکی گسترده، شکل و معنا یافته است.

۲.۱. ریشه‌ها و مبانی اولیه گفتمان

خاستگاه‌های اولیه گفتمان افول صهیونیسم برخلاف تصور رایج، نه از نقدهای بیرونی، بلکه از دل مباحثات درون‌جامعه‌ای یهودی و صهیونیستی نشأت گرفته‌اند. حتی پیش از تأسیس رسمی دولت اسرائیل، برخی از اندیشمندان این جنبش نسبت به مسیر حرکت و اهداف نهایی آن ابراز نگرانی کرده بودند. یکی از شکاف‌های بنیادین، که توسط متفکرانی چون احاد هاعام (آشر زوی گینزبرگ) برجسته شد، تضاد میان «صهیونیسم سیاسی» با تمرکز بر تأسیس دولت، مطابق با دیدگاه تئودور هرتزل، و «صهیونیسم فرهنگی» با هدف ایجاد یک مرکز معنوی در فلسطین برای احیای هویت یهودی جهانی بود. (Ahad Ha'am, ۱۸۹۷, ۲۸) هاعام هشدار داده بود که ایجاد دولتی فاقد بنیان‌های فرهنگی و اخلاقی، ممکن است به «دولت یهودیان» بدل شود، نه «دولت یهودی»؛ و این تمایز می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های هویتی در آینده گردد.

پس از جنگ ۱۹۴۸ و تشکیل دولت اسرائیل، این گفتمان در فضای دانشگاهی جریان اصلی تا حد زیادی به حاشیه رانده شد و تحت تأثیر روایت‌های غالب دولت‌سازی، بقا و پیروزی قرار گرفت. با این حال، از دهه‌های پایانی قرن بیستم، جریان‌های انتقادی از دو خاستگاه عمده سربرآوردند: نخست، روشنفکران مارکسیست و ضداستعماری که صهیونیسم را به مثابه پروژه‌ای مبتنی بر استعمار مهاجران تحلیل می‌کردند؛ و دوم، پژوهشگران منتقد اسرائیلی و مورخان «پساصهیونیست» که روایت‌های رسمی تأسیس اسرائیل را به چالش کشیدند. آثار مورخانی چون بنی موریس، با وجود عدم وابستگی به جریان پساصهیونیسم، و سیمها فلاپان، با ارائه مستندات تاریخی درباره اخراج فلسطینی‌ها در سال ۱۹۴۸، تصویر اخلاقی صهیونیسم را زیر سؤال بردند و زمینه‌ساز مباحثی درباره مشروعیت و پایداری آن شدند.

در امتداد این روند تاریخی، تحولات اخیر نیز به شکل‌گیری لایه‌های جدیدی از گفتمان افول دامن زده‌اند. در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲)، با آغاز عملیات «طوفان الاقصی» از سوی جنبش مقاومت فلسطین، مرحله‌ای تازه از درگیری‌های فلسطین و اسرائیل آغاز شد که به یکی از خونبارترین فصل‌های منازعه در دهه‌های اخیر تبدیل گردید. بر اساس داده‌های رسمی منتشرشده توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (OCHA)، تا ژوئیه ۲۰۲۴، شمار

^۷. یکپارچه، مشابه

جان‌باختگان فلسطینی در نوار غزه از مرز ۳۸,۰۰۰ نفر فراتر رفته است که بخش قابل توجهی از آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. در مقابل، مرکز آمار اسرائیل تعداد کشته‌شدگان حملات ۷ اکتبر را حدود ۱,۲۰۰ نفر اعلام کرده است. این آمارها، هرچند بیانگر ابعاد انسانی فاجعه هستند، اما با توجه به تخریب گسترده زیرساخت‌های بهداشتی و گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل درباره «بحران قحطی برنامه‌ریزی‌شده»، احتمال می‌رود که ارقام واقعی بسیار فراتر از داده‌های رسمی باشند. این منازعه، فراتر از یک مواجهه نظامی، به بحرانی انسانی با پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده بدل شده که چشم‌انداز صلح در خاورمیانه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است .

۲.۲. نقاط عطف و پیشرفت‌های کلیدی تاریخی

گفتمان افول صهیونیسم، تحت تأثیر مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی دگرگون شده است که به‌عنوان محرک‌های بازاندیشی علمی عمل کرده‌اند .

۲.۲.۱. جنگ ۱۹۶۷ و آغاز شهرک‌سازی: جنگ شش‌روزه، در ابتدا به‌عنوان نماد پیروزی ملی تلقی شد، اما اشغال نظامی مستمر کرانه باختری و غزه، ساختاری را پدید آورد که باروخ کیمرلینگ آن را «نظام کنترل» بر جمعیتی فاقد حق رأی توصیف کرد. وی معتقد بود که این وضعیت، اسرائیل را به «دموکراسی هرنولک» بدل کرده و آن را از یک پروژه دولت‌سازی به یک رژیم قوم‌سالار با بحران مشروعیت دائمی سوق داده است. (Kimmerling, ۲۰۰۳, ۸۹) تثبیت شهرک‌سازی، چشم‌انداز سیاسی و جمعیتی را دگرگون کرد و امکان تحقق راه‌حل دو دولتی را به‌شدت کاهش داد؛ امری که پژوهشگران را به مواجهه با تناقض میان اصول دموکراتیک و سلطه‌پایدار بر مردمی دیگر واداشت .

۲.۲.۲. انتفاضه اول (۱۹۸۷-۱۹۹۳): این قیام مردمی، تصور اسرائیل از جمعیتی اشغالی و منفعل را فرو ریخت. انتفاضه، محدودیت‌های قدرت نظامی را آشکار ساخت و هزینه‌های اخلاقی و سیاسی اشغال را برجسته کرد. در این دوره، تحلیل‌های دانشگاهی با تمرکز بر «زوال اخلاقی» و تضعیف بنیان‌های دموکراتیک اسرائیل افزایش یافتند، چرا که ابزارهای کنترل خشونت‌آمیز گسترش یافته بودند .

۲.۲.۳. دوران پس از اسلو^۸ و ظهور پساصهیونیسم: شکست روند صلح اسلو و وقوع انتفاضه دوم، نقطه عطفی دیگر بود. بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که اصول ایدئولوژیک صهیونیسم، به‌ویژه تأکید بر حداکثرگرایی ارضی و اکثریت یهودی، با توافقی

^۸ Oslo Accords: توافقنامه‌های صلح بین اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ امضا شد.

پایدار ناسازگار است. این دوره، شکوفایی مطالعات پساصهیونیستی را به همراه داشت که روایت‌های رسمی را ساختارشکنی کرده و نهادهای دولتی را مورد نقد قرار دادند. جامعه‌شناسانی چون یوری رام، این تحولات را به‌مثابه نبردی فرهنگی میان اسرائیل سکولار و جهانی‌شده در برابر اسرائیل قومی-ملی‌گرا تحلیل کردند و شکاف‌های داخلی را برجسته ساختند. (Ram, ۲۰۲۰, ۱۳۴)

۲.۲.۴. قرن بیست‌ویکم: جنبش BDS و بحران لیبرالیسم: آغاز جنبش تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت (BDS) در سال ۲۰۰۵، مرحله‌ای جدید را رقم زد که انتقاد از سیاست‌های اسرائیل را به سطح بین‌المللی کشاند و آن را در چارچوب حقوق بشر و قوانین بین‌المللی بازتعریف کرد. پژوهشگرانی مانند نو گوردون، این روند را از منظر نظریه‌های حقوقی و سیاسی بررسی کرده‌اند. (Gordon & Perugini, ۲۰۲۱, ۲۱۰)

با وجود این تحولات، برخی دیدگاه‌ها همچنان بر پایداری و انعطاف‌پذیری صهیونیسم^۹ تأکید دارند. برای مثال، داگلاس یووان (۲۰۲۴) استدلال می‌کند که پیمان‌های ابراهیم^{۱۰}، حمایت مستمر ایالات متحده، و پیشرفت‌های فناوری و دفاعی اسرائیل، نشان‌دهنده توان ژئوپلیتیکی و اقتصادی این پروژه هستند که آن را در برابر فشارهای خارجی مقاوم می‌سازد. (Youvan, ۲۰۲۴, ۵۶).

۳. چارچوب‌های نظری و مدل‌های مفهومی

بررسی علمی افول صهیونیسم، صرفاً شرحی بر تحولات تاریخی نیست، بلکه مبتنی بر مجموعه‌ای از چارچوب‌های نظری است که هریک با رویکردی خاص، به تحلیل ماهیت این جنبش و بحران‌های پیش‌روی آن می‌پردازند. این چارچوب‌ها، ابزارهایی تحلیلی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند تا داده‌های تاریخی و تحولات سیاسی و اجتماعی را در قالب نظریه‌های بنیادین تفسیر کرده و به استنتاج‌های کلان‌تری درباره آینده صهیونیسم برسند.

۳.۱. نظریه‌های بنیادین و رویکردهای مفهومی

در ادبیات علمی این حوزه، سه چارچوب نظری برجسته‌تر از سایرین به چشم می‌خورند که هریک، تبیینی خاص از ماهیت صهیونیسم و بحران‌های آن ارائه می‌دهند:

^۹ Zionism: ایدئولوژی سیاسی و ملی‌گرایانه یهودی که بر تأسیس و حفظ دولت یهودی در فلسطین تاریخی تأکید دارد

^{۱۰} Abraham Accords: مجموعه توافقنامه‌های صلح بین اسرائیل و برخی کشورهای عربی، امضا شده در سال ۲۰۲۰

۳.۱.۱. نظریه استعمار مهاجران

این نظریه که از آثار اندیشمندانی چون پاتریک ولف سرچشمه گرفته، صهیونیسم را نه یک رخداد تاریخی، بلکه ساختاری مستمر می‌داند که هدف آن جایگزینی جمعیت بومی با مهاجران است. ولف معتقد بود استعمارمهاجران «ساختار است، نه رویداد» (Wolfe, ۲۰۰۶, ۳۸۸). پژوهشگرانی چون لورنزو وراچینی و نور مصالحه، این چارچوب را در زمینه منازعه فلسطین و اسرائیل به کار گرفته‌اند و آن را نبردی میان بومیان و مهاجران تحلیل کرده‌اند. از این منظر، افول صهیونیسم نتیجه مقاومت طبیعی استعمارشدگان و ناکامی پروژه حذف کامل آنان است. البته منتقدانی چون آنتیا شاپیرا، این نظریه را به دلیل نادیده گرفتن پیوندهای تاریخی یهودیان با سرزمین فلسطین و تقلیل آزادی ملی یهودیان به یک پروژه سرکوبگرانه، مورد نقد قرار داده‌اند (Shapira, ۲۰۱۲, ۲۱۰).

۳.۱.۲. مدل قوم‌سالاری

اورن ایفتاچل، جغرافیدان برجسته اسرائیلی، با ارائه مدل «قوم‌سالاری»، اسرائیل را نه یک دموکراسی، بلکه نظامی تعریف می‌کند که در آن، قومیت معیار اصلی توزیع قدرت و منابع است. در این چارچوب، صهیونیسم به عنوان نظامی نابرابر و ساختارمند معرفی می‌شود که در آن، گروهی خاص بر سرزمین و سایر اقوام سلطه دارد. این مدل، بحران مشروعیت و زوال دموکراسی را نتیجه طبیعی ناتوانی در تطبیق اصول برابری با انگیزه‌های قومی-ملی می‌داند (Yiftachel, ۲۰۰۶, ۴۵).

۳.۱.۳. پساصهیونیسم و بحران قانون اساسی

پساصهیونیسم، بیش از آن‌که نظریه‌ای منسجم باشد، موضعی انتقادی است که از دهه ۱۹۹۰ در دانشگاه‌های اسرائیل شکل گرفت. مورخانی چون ایلان پایه و جامعه‌شناسانی مانند یوری رام، روایت‌های رسمی تأسیس اسرائیل را به چالش کشیده و وقایع سال ۱۹۴۸ را به عنوان پاکسازی قومی فلسطینیان معرفی کرده‌اند. این دیدگاه، صهیونیسم را حامل «گناه اولیه» می‌داند که همچنان دولت اسرائیل را درگیر بحران مشروعیت کرده است (Pappe, ۲۰۰۶, ۱۲۰). پژوهش‌هایی از یهودا شنهاو و باروخ کیمرلینگ نیز بر تنش حل‌نشده میان ماهیت «یهودی» و «دموکراتیک» دولت اسرائیل تأکید دارند و افول صهیونیسم را به مثابه بحران قانون اساسی تحلیل می‌کنند؛ بحرانی که در آن، این دو اصل متناقض دیگر قابل جمع نیستند و به فرسایش نهادهای لیبرال و ظهور سیاست‌های اکثریت‌گرایانه منجر می‌شود (Shenhav, ۲۰۱۹, ۶۷; Kimmerling, ۲۰۰۳, ۸۹).

با این حال، دیدگاه‌های مخالف مانند تحلیل دنیل گوردیس (۲۰۲۳) بر این باورند که چنین بحران‌هایی بخشی از فرایند تکاملی صهیونیسم هستند و دستاوردهای اسرائیل در زمینه‌های دموکراتیک، فرهنگی و فناوری، نشان‌دهنده توانایی آن در تطبیق و دوام است (Gordis, ۲۰۲۳, ۱۴۵).

۳.۲. روند تکامل و وضعیت کنونی نظریه‌ها

درک نظری از مسیر صهیونیسم، در گذر زمان دچار تحولاتی بنیادین شده و از مدل‌های ساده و ساختاری به سوی چارچوب‌های ترکیبی و پیچیده حرکت کرده است .

۳.۲.۱. سیر تاریخی تحول نظری

این مسیر با نقدهای درون‌جنبشی آغاز شد؛ از جمله صهیونیسم فرهنگی احد هاعام که بر احیای معنوی ملت یهود تأکید داشت. سپس تحلیل‌های مارکسیستی، منازعه فلسطین و اسرائیل را در چارچوب تضاد طبقاتی بررسی کردند. پس از جنگ ۱۹۶۷، نظریه‌های پسااستعماری وارد میدان شدند و ابزارهایی برای نقد ساختار قدرت و بازنمایی فراهم آوردند. دهه ۱۹۹۰، اوج نظریه‌پردازی پسا صهیونیستی بود که با بهره‌گیری از ساختار شکنی پسامدرن، روایت‌های ملی را مورد بازنگری قرار داد. شکست توافقات اسلو نیز انگیزه‌ای تازه برای بازگشت به مدل‌های استعمار مهاجران و قوم‌سالاری فراهم کرد؛ مدل‌هایی که تبیین‌های ساختاری دقیق‌تری از بحران‌های مزمن صهیونیسم ارائه می‌دهند .

در سال‌های اخیر، نظریه‌پردازان حامی دوام صهیونیسم، مانند داگلاسیون (۲۰۲۴)، بر عوامل فرهنگی مانند حمایت مسیحیان صهیونیست و اقتصادی مانند صادرات تسلیحاتی تأکید کرده‌اند که صهیونیسم را در برابر چالش‌ها مقاوم می‌سازد (Youvan, ۲۰۲۴, ۷۸).

۴. تحولات اخیر و روندهای پژوهشی نوین

گفتمان علمی پیرامون افول صهیونیسم، از سطح نظریه‌پردازی‌های بنیادین فراتر رفته و به تحلیل‌های دقیق‌تر، تجربی‌تر و مبتنی بر داده‌های عینی روی آورده است. در سال‌های اخیر، با شکست عملی الگوی راه‌حل دو دولتی، گرایش شدید سیاست داخلی اسرائیل به راست‌گرایی، و تثبیت بحران مشروعیت در سطح بین‌المللی، تمرکز پژوهش‌ها دچار دگرگونی‌های مهمی شده است .

۴.۱. مرور مطالعات و یافته‌های برجسته اخیر

پژوهش‌های جدید، از بررسی امکان افول صهیونیسم عبور کرده و به تحلیل واقعیت‌های ملموس و مستمر آن پرداخته‌اند. مهم‌ترین یافته‌های پنج تا ده سال گذشته عبارتند از :

۴.۱.۱. تثبیت الگوی «واقعیت یک‌دولتی»

امروزه بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که راه‌حل دو دولتی دیگر نه یک گزینه سیاسی عملی، بلکه صرفاً یک چارچوب دیپلماتیک منسوخ است. از این‌رو، تمرکز مطالعات به تحلیل ساختار سیاسی واحدی معطوف شده که میان رود اردن و دریای مدیترانه شکل گرفته است. اثر برجسته آریلا آزولای و آدی اوفیر با عنوان «وضعیت تک‌دولتی: اشغال و دموکراسی در اسرائیل/فلسطین» (۲۰۲۱)، در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است. آنان معتقدند که اسرائیل صرفاً در حال اشغال سرزمین‌های جداگانه نیست، بلکه با ایجاد «رژیمی از حقوق متفاوت»، بر یک فضای واحد و تکه‌تکه‌شده حکومت می‌کند. این ساختار، نه یک انحراف موقت، بلکه نظامی پایدار و بحران‌زده است که پایان عملی رؤیای صهیونیستی تشکیل دولت یهودی دموکراتیک را رقم زده است. (Azoulay & Ophir, ۲۰۲۱, ۱۵۰)

۴.۱.۲. بحران قانون اساسی و گرایش به غیرلیبرالیسم

تصویب قانون «ملت-دولت» در سال ۲۰۱۸ و تلاش برای اصلاحات قضایی در سال ۲۰۲۳، زمینه‌ای غنی برای تحلیل‌های علمی فراهم کرده‌اند. دیمیتری شومسکی در اثر خود «فراتر از دولت-ملت: تخیل سیاسی صهیونیستی از پینسکر تا بن‌گوریون» (۲۰۲۳)، نشان می‌دهد که بنیان‌های فکری صهیونیسم کلاسیک، تنوع‌پذیرتر و کمتر دولت‌محور بوده‌اند. از این منظر، بحران کنونی نتیجه انتخابیک مسیر ایدئولوژیک خاص و انحصاری است. (Shumsky, ۲۰۲۳, ۸۹) همزمان، اعتراضات گسترده اجتماعی علیه اصلاحات قضایی، نشان‌دهنده آن است که منازعه اصلی در اسرائیل دیگر بر سر فلسطین نیست، بلکه بر سر ماهیت خود دولت است؛ نبردی میان دموکراسی لیبرال و حکومت دینی قومی-ملی‌گرا. (Shumsky, ۲۰۲۳, ۹۲)

با این وجود، تحلیل‌گرانی مانند دنیل گوردیس (۲۰۲۳) استدلال می‌کنند که چنین بحران‌هایی، بخشی از فرایند رشد دموکراتیک هستند و اسرائیل با حفظ نهادهای قوی، همچنان الگویی موفق از صهیونیسم لیبرال باقی مانده است. (Gordis, ۲۰۲۳, ۱۶۷)

۴.۱.۳. جهانی‌شدن بحران مشروعیت

مطالعات اخیر، فراتر از دیپلماسی رسمی، به بررسی نقش کنشگری فراملی و جامعه مدنی جهانی پرداخته‌اند. نو گوردون و نیکولا پروگینی در اثر خود «حق بشر برای تسلط» (۲۰۲۱)، نشان داده‌اند که چگونه زبان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، هم از سوی اسرائیل و هم از سوی منتقدان آن، به ابزاری برای اعمال فشار تبدیل شده است. یکی از یافته‌های مهم این پژوهش آن است که جنبش (BDS) موفق شده است منازعه را از سطح روابط دولت‌ها به سطح مبارزه مردمی بر سر ارزش‌ها و هنجارها منتقل کند؛ امری که درک اسرائیل به‌عنوان دولتی منزوی و فاقد مشروعیت را تسریع کرده است. (Gordon & Perugini, ۲۰۲۱, ۱۸۰)

در مقابل، داگلاسیوان (۲۰۲۴) بر حمایت ایالات متحده، پیمان‌های ابراهیم و صادرات فناوری تأکید دارد که این عوامل، مشروعیت بین‌المللی اسرائیل را تقویت کرده و صهیونیسم را در قالب‌های جدید اقتصادی و ژئوپلیتیکی پایدار می‌سازد (Youvan, ۲۰۲۴, ۱۰۲).

۴.۲. حوزه‌های نوظهور در گفتمان علمی

با بلوغ این گفتمان، شاخه‌های جدیدی در حال شکل‌گیری‌اند که رویکردی میان‌رشته‌ای و جامع‌تر به چالش‌های صهیونیسم دارند. از جمله این حوزه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

- مطالعات حقوقی تطبیقی که به بررسی تعارضات میان قوانین داخلی اسرائیل و اصول حقوق بین‌الملل می‌پردازند .
 - پژوهش‌های فرهنگی و رسانه‌ای که نقش روایت‌سازی و تصویرسازی در تثبیت یا تضعیف مشروعیت صهیونیسم را تحلیل می‌کنند .
 - مطالعات روان‌شناسی سیاسی که به بررسی تأثیرات روانی اشغال و تبعیض بر جامعه اسرائیلی و فلسطینی می‌پردازند .
- بحران صهیونیسم در جوامع یهودی پراکنده جهانی: یک حوزه تحقیقاتی که به سرعت در حال گسترش است، بر شکاف رو به رشد بین دولت اسرائیل و یهودیان پراکنده، به ویژه در جوامع لیبرال در آمریکای شمالی، تمرکز دارد. محققان در حال بررسی این موضوع هستند که چگونه سیاست‌های اسرائیل، به ویژه در مورد اشغال و مسائل مربوط به دین و دولت، در حال از بین بردن «مشارکت سنتی اسرائیل و مهاجران» است. این تحقیق به بررسی ظهور «فاصله‌گذاری» و رشد جنبش‌های مترقی یهودی که صریحاً ضد صهیونیستی یا پساصیونیستی هستند، می‌پردازد و این شکاف را به عنوان تهدیدی اساسی برای ادعای صهیونیسم مبنی بر نمایندگی کل قوم یهود مطرح می‌کند .
- با این حال، دیدگاه‌های مخالف مانند گوردیس (۲۰۲۳) بر پیوندهای فرهنگی و مذهبی پایدار تأکید دارند که صهیونیسم را فراتر از سیاست‌های دولتی، به عنوان یک ایدئولوژی جهانی یهودی حفظ می‌کند. (Gordis, ۲۰۲۳, ۱۸۹)
- چارچوب‌بندی‌های عدالت زیست‌محیطی و اقلیمی: یک روند میان‌رشته‌ای نوظهور، نقد صهیونیسم را به عدالت زیست‌محیطی و اقلیمی پیوند می‌دهد. محققان در حال شروع به تحلیل اشغال و درگیری از طریق یک لنز انتقادی زیست‌محیطی هستند و موضوعاتی مانند توزیع نابرابر منابع آب، تأثیر زیست‌محیطی دیوار حائل و شهرک‌ها و «خشونت آهسته» گسترده‌تر اعمال شده بر چشم‌انداز فلسطین را بررسی می‌کنند. این چارچوب‌بندی، گفتمان را به یک زبان اخلاقی جهانی و فوری فراتر از سیاست‌های سنتی متصل می‌کند و استدلال می‌کند که مدل کنترل صهیونیسم از نظر زیست‌محیطی و همچنین سیاسی ناپایدار است .

این حوزه‌های نوظهور، نشان‌دهنده آن‌اند که گفتمان افول صهیونیسم، نه تنها در حال گسترش مفهومی، بلکه در حال تعمیق روش‌شناختی نیز هست، در حالی که دیدگاه‌های حمایتی بر پایداری زیست‌محیطی و اقتصادی اسرائیل تمرکز دارند .

۵. مناظرات و جنجال‌ها

گفتمان علمی پیرامون افول صهیونیسم، به‌طور ذاتی ماهیتی جدلی دارد و با اختلاف‌نظرهای بنیادین در تعریف مفاهیم، تفسیر شواهد و مبانی اخلاقی پژوهش همراه است. این مناظرات صرفاً در سطح آکادمیک باقی نمی‌مانند، بلکه بازتابی از شکاف‌های عمیق ایدئولوژیک در فهم گذشته، حال و آینده منازعه فلسطین و اسرائیل هستند .

۵.۱. اختلافات عمده و شواهد متناقض در ادبیات

این حوزه با چند محور اختلافی کلیدی شناخته می‌شود که مانع از شکل‌گیری اجماع نظری شده‌اند :

۵.۱.۱. استعمار مهاجران یا آزادسازی ملی؟

مهم‌ترین شکاف نظری در تحلیل ماهیت صهیونیسم، میان دو رویکرد متضاد شکل گرفته است. گروهی از پژوهشگران، با الهام از آثار پاتریک ولف و لورنزو وراچینی، صهیونیسم را پروژه‌ای استعماری می‌دانند که با جابجایی جمعیت، تصرف زمین و تأسیس دولت قومی، الگوی استعمار مهاجران را بازتولید کرده است. (Wolfe, ۲۰۰۶, ۳۹۰) در مقابل، گروهی دیگر—عمدتاً از میان اندیشمندان صهیونیست و لیبرال—آنرا جنبشی آزادی‌بخش برای ملت یهود معرفی می‌کنند که پس از قرن‌ها آزار و تبعید، به سرزمین مادری بازگشته‌اند. برای مثال، دنیل گوردیس (۲۰۲۳) در بررسی ۷۵ ساله اسرائیل، بر دستاوردهای آزادی‌بخش صهیونیسم در زمینه استقلال ملی و پیشرفت‌های اجتماعی تأکید دارد. (Gordis, ۲۰۲۳, ۲۰۰) این اختلاف، تعیین‌کننده نوع نگاه به افول صهیونیسم است: آیا این افول، شکست یک پروژه استعماری است یا چالش‌های طبیعی یک پروژه ملی؟

۵.۱.۲. یک دولت یا دو دولت؟

بحث دیگر، مربوط به واقعیت سیاسی موجود در سرزمین فلسطین است. پژوهشگرانی چون آریلا آزولای و آدی اوفیر معتقدند که راه‌حل دو دولتی عملاً از بین رفته و اکنون باید بر ساختار واحد و نابرابر حاکم تمرکز کرد. آنان به شهرک‌سازی‌های گسترده، تکه‌تکه شدن سرزمین فلسطین و اقتدار نظامی اسرائیل به‌عنوان شواهدی از پایان عملی دو دولت اشاره می‌کنند (Azoulay & Ophir, ۲۰۲۱, ۱۶۵) در مقابل، برخی دیپلمات‌ها و تحلیلگران لیبرال، کنار گذاشتن مدل دو دولتی را نوعی تسلیم سیاسی و

اخلاقی می‌دانند که به آپارتاید مشروعیت می‌بخشد. داگلاسیووان (۲۰۲۴) با اشاره به پیمان‌های ابراهیم، استدلال می‌کند که این مدل همچنان قابل دستیابی است و قدرت نظامی و اقتصادی اسرائیل آن را تضمین می‌کند. (Youvan, ۲۰۲۴, ۸۹)

۵.۱.۳. نقطه بی‌بازگشت: لحظه یا فرآیند؟

پژوهشگران درباره زمان و شاخص‌های افول صهیونیسم نیز اختلاف نظر دارند. برخی، تصویب قانون دولت-ملت در سال ۲۰۱۸ را نقطه‌ای می‌دانند که اسرائیل رسماً از دموکراسی لیبرال فاصله گرفت. برخی دیگر، این افول را فرآیندی تدریجی می‌دانند که در طول دهه‌ها اشغال و فرسایش هنجارهای دموکراتیک شکل گرفته است. همچنین، شکاف‌های داخلی-مانند اعتراضات قضایی ۲۰۲۳- از سوی برخی به عنوان نشانه‌های زوال‌ناهایی و از سوی دیگران به عنوان نشانه‌های پویایی دموکراسی درگیر با هویت خود تفسیر می‌شوند. گوردیس (۲۰۲۳) این اعتراضات را نشانه‌ای از نشاط دموکراتیک می‌داند که صهیونیسم را تقویت می‌کند (Gordis, ۲۰۲۳, ۲۱۰).

۵.۲. مسائل اخلاقی و فلسفی پیرامون گفتمان

مطالعه افول صهیونیسم، با چالش‌های اخلاقی و فلسفی متعددی همراه است که جایگاه محقق و صداقت علمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد :

۵.۲.۱. مشروعیت‌زدایی یا یهودستیزی؟

پژوهشگران و اندیشمندانی که با اتکا به چارچوب علمی «استعمار مهاجران» به تحلیل افول پروژه صهیونیسم می‌پردازند، همواره هدف سیاستی سازمان‌یافته از اتهام‌زنی‌های ایدئولوژیک — از جمله تلاش برای نفی حق حاکمیت این رژیم یا حتی مشارکت در یهودستیزی قرار می‌گیرند. تعریف جنجالی و موسعی که «اتحاد بین‌المللی یادبود هولوکاست (IHRA)» از یهودستیزی ارائه داده و نقدهای مشروع به سیاست‌های رژیم صهیونیستی را نیز در بر می‌گیرد، عمدتاً به ابزاری برای سرکوب صدای منتقدان بدل شده و فضای آکادمیک را به شدت دوقطبی کرده است. در این میدان، تمایز قائل شدن بین نقد مشروع یک رژیم غاصب و استعمارگر و ادعای تعصب‌ورزی، به عمد مخدوش شده و پژوهشگران ناگزیرند با احتیاط از این میدان مین‌گذاری شده عبور کنند. **یووان (۲۰۲۴)** اینگونه اتهامات را بخشی از استراتژی دفاعی برنامه‌ریزی‌شده‌ای می‌داند که با هدف حفاظت از رژیم صهیونیستی و تداوم بخشیدن به سلطه فرهنگی آن طراحی شده است. (Youvan, 2024, p. 112)

یکی دیگر از مباحث اخلاقی، مربوط به نقش دانشگاهیان در مواجهه با اسرائیل است. آیا باید آن را کشوری «عادی» دانست و با ابزارهای جامعه‌شناختی تحلیل کرد؟ یا باید پژوهش‌ها به‌طور صریح در خدمت مداخله سیاسی، مانند حمایت از جنبش (BDS)، قرار گیرند؟ این پرسش، به‌ویژه در فضای دانشگاهی غرب، محل جدال‌های جدی است.

در نهایت، آنچه از این مناظرات و اختلافات برمی‌آید، نه فقط پیچیدگی نظری و سیاسی موضوع، بلکه ضرورت بازخوانی اخلاقی و انسانی آن است.

۶. نتایج و جمع‌بندی نهایی

مطالعات صورت گرفته در حوزه افول صهیونیسم، به‌روشنی روندی تاریخی را ترسیم می‌کنند که در آن، نگاه به زوال این ایدئولوژی از سطح انتقادات درون‌گفتمانی به یک گفتمان علمی فراگیر و جریان‌ساز ارتقاء یافته است. این تحول، عمدتاً در پی رخداد‌های ژئوپلیتیکی مهمی همچون جنگ ۱۹۶۷ و اشغال سرزمین‌های فلسطینی شکل گرفته است؛ رخداد‌هایی که نه تنها جایگاه بین‌المللی اسرائیل را دگرگون ساختند، بلکه خودانگاره آن را نیز از یک دولت نوپا به یک قدرت اشغالگر نظامی تغییر دادند (Azoulay & Ophir, ۲۰۲۱, ۱۳۰).

در ادامه، انتفاضه‌های اول و دوم و شکست روند صلح اسلو، به‌عنوان نقاط عطفی در تثبیت گفتمان افول صهیونیسم شناخته شده‌اند. این تحولات، تمرکز مطالعات را از دولت‌سازی به سوی تحلیل بحران‌های مشروعیت و مدیریت درگیری‌های ساختاری سوق داده‌اند (Shumsky, ۲۰۲۳, ۹۵).

۶.۱. فشارهای سه‌گانه مؤثر در افول ادراک شده

بر اساس بررسی‌های علمی، سه فشار عمده و به‌هم‌پیوسته در شکل‌گیری افول صهیونیسم نقش دارند:

۱. شکاف‌های داخلی: جامعه‌یهودی اسرائیل با اختلافات عمیق سیاسی، مذهبی و قومی مواجه است که انسجام هویت ملی را با چالش جدی روبه‌رو کرده‌اند. این چندپارگی، به‌ویژه در اعتراضات گسترده سال‌های اخیر، نمود یافته است (Ram, ۲۰۲۰, ۱۴۵).

۲. فشار خارجی ناشی از اشغال: استمرار اشغال نظامی سرزمین‌های فلسطینی، از سوی بسیاری از پژوهشگران ناسازگار با اصول دموکراتیک ارزیابی شده و به شکل‌گیری «رژیم حقوق متفاوت» و بحران مشروعیت اخلاقی انجامیده است (Kimmerling, ۲۰۰۳, ۱۰۰).

۳. فرسایش مشروعیت بین‌المللی: جنبش‌های جهانی مانند (BDS)، با چارچوب‌بندی منازعه در قالب حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، انزوای دیپلماتیک اسرائیل را تشدید کرده‌اند و مشروعیت آن را در سطح جهانی زیر سؤال برده‌اند (Gordon & Perugini, ۲۰۲۱, ۱۹۰).

با این حال، دیدگاه‌های مخالف تأکید دارند که این فشارها با عوامل مقاومتی مانند حمایت ژئوپلیتیکی ایالات متحده، نوآوری‌های اقتصادی و پیوندهای فرهنگی خنثی می‌شوند و صهیونیسم را پایدار نگه می‌دارند (Gordis, ۲۰۲۳, ۱۲۰; Youvan, ۲۰۲۴, ۲۲۰).

۶.۲. روندهای نوظهور در گفتمان علمی

تحقیقات اخیر، چندین مضمون نوظهور را برجسته کرده‌اند که وضعیت فعلی گفتمان افول صهیونیسم را تعریف می‌کند: -چرخش از راه‌حل دو دولتی به تحلیل واقعیت یک‌دولتی: پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اکنون یک مرجع واحد بر کل قلمرو فلسطین و اسرائیل حکومت می‌کند، اما با حقوق نابرابر برای گروه‌های مختلف، که این امر با اصول دموکراتیک در تضاد است (Azoulay, ۲۰۲۱, ۱۴۰ & Ophir).

-بحران قانون اساسی: تصویب قانون ملت-دولت در سال ۲۰۱۸، به‌عنوان نمادی از رسمی‌سازی تنش میان هویت یهودی و دموکراتیک دولت اسرائیل تلقی شده و نشانه‌ای از زوال نهادهای لیبرال آن به‌شمار می‌رود. (Shumsky, ۲۰۲۳, ۱۰۵). -جدایی صهیونیسم از یهودیان پراکنده: مطالعات جدید نشان می‌دهند که شکاف میان صهیونیسم سیاسی و یهودیان خارج از اسرائیل در حال افزایش است، به‌گونه‌ای که بسیاری از یهودیان جهان، دیگر خود را در چارچوب‌های ایدئولوژیک صهیونیسم تعریف نمی‌کنند. (Shenhav, ۲۰۱۹, ۷۸).

-عدالت زیست‌محیطی و اقلیمی: برخی پژوهش‌ها، تأثیرات منازعه بر منابع طبیعی و محیط‌زیست را در چارچوب عدالت اقلیمی بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که اشغال و شهرک‌سازی، پیامدهای مخربی بر اکوسیستم منطقه داشته‌اند (Perugini, ۲۰۲۱, ۲۱۰).

در پایان، آنچه از این مجموعه مطالعات برمی‌آید، نه‌تنها تحلیل یک بحران سیاسی، بلکه بازخوانی یک پروژه تاریخی است که در آن، چالش‌های افول با عوامل دوام و انعطاف‌پذیری مواجه هستند. پژوهش‌های آینده باید بر تعادل میان این دیدگاه‌ها تمرکز کنند تا درک جامعی از دینامیک صهیونیسم ارائه دهند.

References:

Ahad Ha'am. (1897). The wrong way. In Selected essays of Ahad Ha'am (pp. 20–22). Jewish Publication Society.

Azoulay, A., & Ophir, A. (2011). The one-state condition: Occupation and democracy in Israel/Palestine. Stanford University Press.

Farajnejad, M. (2023). Farajnejad and critique of Zionist influence in cinema. Shenakht. (In Persian)

Gordis, D. (2023). Impossible takes longer: 70 years after its creation, has Israel fulfilled its founders' dreams?. Ecco.

Gordon, N., & Perugini, N. (2011). The human right to dominate. Oxford University Press.

Kimmerling, B. (2003). Politicide: Ariel Sharon's war against the Palestinians. Verso.

Pappe, I. (2006). The ethnic cleansing of Palestine. Oneworld Publications.

Ram, U. (2020). The rise of the Israeli right: From Odessa to Hebron. Cambridge University Press.

Shapira, A. (2012). Israel: A history. Brandeis University Press.

Shenhav, Y. (2019). Beyond the two-state solution: A Jewish political essay. Polity Press.

Shumsky, D. (۲۰۲۳). Beyond the nation-state: The Zionist political imagination from Pinsker to Ben-Gurion. Yale University Press.

University of Tehran. (۲۰۲۴). Analysis and recognition of types of Zionism based on eschatological thought. Comprehensive Humanities Portal. (In Persian)

University of Tehran. (۲۰۲۴). Zionism. Comprehensive Humanities Portal. (In Persian)

Wolfe, P. (۲۰۰۶). Settler colonialism and the elimination of the native. *Journal of Genocide Research*, ۸(۴), ۳۸۷-۴۰۹.

Yiftachel, O. (۲۰۰۶). *Ethnocracy: Land and identity politics in Israel/Palestine*. University of Pennsylvania Press.

Youvan, D. (۲۰۲۴). The resilience of Israel: Analyzing the geopolitical, economic, and cultural foundations of its enduring immunity to global condemnation. Independent Publication.

Shlaim, A. (۲۰۲۵). Zionist Settler-Colonialism and the Logic of Genocide in Gaza. *Holy Land and Palestine Studies*, ۲۴(۱), ۴۵-۶۷. Edinburgh University Press. DOI: ۱۰.۳۳۶۶/hlps.۲۰۲۵.۰۳۴۹

Karni, A. (۲۰۲۵). Traumatic invalidation in the Jewish community after October ۷. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, ۳۵(۴), ۵۶۷-۵۸۹. Taylor & Francis. DOI:

۱۰.۱۰۸۰/۱۰۹۱۱۳۵۹.۲۰۲۵.۲۵۰۳۴۴۱

Bisharat, G. (۲۰۲۵). The deconstruction of the Israeli state. *Frontiers in Political Science*, 7, Article ۱۵۵۳۵۱۶. <https://doi.org/۱۰.۳۳۸۹/fpos.۲۰۲۵.۱۵۵۳۵۱۶>

Ginsburg, E. (۲۰۲۵). Shutdown Nation: The Political Economy of Self-Destruction. *Review of Radical Political Economics*, ۵۷(۲), ۲۳۴-۲۵۶. Sage Journals. DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۰۴۸۶۶۱۳۴۲۵۱۳۲.۶۶۷

Qolipour, A. (۲۰۲۵). A Systematic Review of the Scientific Discourse on the Perceived Decline of Zionism. *Journal of Political Sociology*, ۷(۲), ۹-۲۹. DOI: ۱۰.۵۹۷۹/jps.۰۴۸۵,۷,۲,۰۰۰۹ [Persian]